

نام‌های خوانندگان: سهم مخاطب

نوشته محمد قائد

تصویر کلی و انگیزه‌ها

ستون یا صفحه‌نامه‌های خوانندگان را می‌توان از بخشهای جذاب هر نشریه‌ای دانست. اگر در سایر ستونهای نشریه، نویسندگان با خواننده و با دولت و جامعه صحبت می‌کنند، در این بخش خوانندگان با نویسندگان، با جامعه، با دولت، با خوانندگان دیگر - و گاه انگار حتی با خودشان - حرف می‌زنند. بنابراین ستون نامه‌ها چه از نظر ساختار و چه در محتوا متفاوت با بقیه بخشهای نشریه است.

خوانندگان معمولاً با انگیزه‌هایی گوناگون و گاه چندگانه برای مطبوعات نامه می‌نویسند. یک تلقی این است که مطبوعات را منابعی معتبر از اطلاعات و معلومات، و حتی اسرار، می‌بینند و گرچه ممکن است تک‌تک روزنامه‌نگاران را افرادی معمولی اما ماهر در یک حرفه بدانند، گمان می‌کنند یک نشریه، و کلاً مطبوعات، صاحب آگاهی‌هایی گسترده‌اند بسیار بالاتر از سطح معلومات افراد عادی درباره‌ی اوضاع جامعه و جهان؛ و بنابراین برای هر سؤالی جوابی در آستین دارند.

محتوای پاره‌ای نامه‌ها تشویق نشریه مورد علاقه به ادامه‌ی راه و روش کنونی است. تقدیر از نویسندگان و گزارشگرانی که توانسته‌اند زوایایی تازه از زندگی به روی خواننده باز کنند، تحیل او را به کار اندازند و به معلوماتش بیفزایند در نامه‌های خوانندگان نشریات بیشترین سهم را دارد. کسی اگر به نشریه‌ای بی‌علاقه باشد آن را نمی‌خواند، تا چه رسد که

یک نشریه در خروجی صندوق پست آن همواره بسیار بیش از سهم مخالفان و منتقدان باشد.

در جامعه ما این تلقی عمومی را می‌توان در بسیاری نامه‌های خوانندگان دید که گویا نویسندگان نشریه در راهی پرخطر گام برمی‌دارند و به‌اندازه مهارتشان در نوشتن، برای مبارزه و چالشگری هم شهامت دارند. بر این قرار، چیزهایی چاپ نمی‌شود نه به این سبب که تاکنون نوشته نشده و گردانندگان نشریه دارای اطلاعات کافی در آن باره نبوده‌اند یا هنوز فرصت تحقیق نداشته‌اند، بلکه چون چاپ آن مطالب مفروض، به‌رغم شجاعت و مهارت گردانندگان نشریه، محال است.

انگیزه سوم انتقاد است، انتقادهایی شدید که گاه با خشم و خروش و همراه با اتهام‌های ریز و درشت علیه نویسندگان نشریه‌ای بیان می‌شود که، به نظر خواننده، به راه خطارفته یا در انجام وظایف خود در بیان دردهای مردم و اصلاح جامعه کوتاهی کرده است. پاره‌ای نامه‌ها شرح دردمندان مشکلات عادی اما بسیار خسته‌کننده و وقت‌گیر زندگی روزانه شهروندان است که، به ادعای نویسنده نامه، نشریه به آنها نپرداخته، یا به اندازه کافی نپرداخته است؛ نکاتی مانند اغلاط شناسنامه‌های جدید، سرگردانی در دواير دولتی، شهریه روزافزون مؤسسات آموزشی خصوصی و حتی ناکامی اداره هواشناسی در پیش‌بینی دقیق وضع هوا.

این رشته دراز انتقاد از نابسامانی‌های اقتصادی، فساد اجتماعی و سیاسی، مسائل سیاست خارجی و نابرابری در تنعم و درآمد در طومارهای مفصلی یک جا دیده می‌شود که گاه با شتاب و احتمالاً در حال خستگی و بی‌حوصلگی نوشته شده است. در بعضی از این طومارها، که بیشتر به مکالمه شفاهی می‌ماند، گاه پس از، مثلاً، شرح و تفصیل تعمیر پرخرج اتومبیلی کاملاً نو که کارخانه سازنده از رعایت ضمانت آن سر باز زده است، نویسنده نامه در چند سطر آخر با عجله تذکر می‌دهد که در ضمن بد نیست دولت اقدام به اعزام هیتهایی برای اشاعه زبان و ادب فارسی در کشورهای آسیای میانه کند.

انگیزه‌ای دیگر، تفتن و دیدن اسم خویش در یک نشریه است. در نشریاتی که بدون چاپ اصل نامه در صفحه‌ای خاص به آنها جواب می‌دهند می‌توان دید که انگیزه بسیاری از نامه‌نویسان نفس‌مکاتبه است و می‌توان حدس زد که سؤلهایی بسیار دور از ذهن و پراکنده که با پاسخگوی نشریه در میان می‌گذارند احتمالاً نه به نیت یادگرفتن پاسخ آنها،

می‌توان از سوی نویسندگان و در بخش پایین مرسوم می‌دید. می‌توان انتظار داشت که با یاد رفتن سن خوانندگان و محدود شدن دایره علایق آنان میل به نامه‌نویستن برای نشریات کاهش یابد.

واقعیت این است که در جنبه‌ای از روانشناسی اجتماعی ما دو نکته با هم آمیخته است. اول، کمبود دانشنامه و کتاب مرجع و دایره‌المعارف در همه زمینه‌ها، گرانی و کمیابی چنین منابعی، و ناآشنایی با آن مقداری که وجود دارد. دوم، چیزی که می‌توان آن را پرسش بی‌جا و بی‌ثمر تنها به نیت مکالمه و شکستن سکوت نامید. بدین قرار، بسیاری پرسش‌های بی‌مقدمه، ظاهراً بی‌انگیزه و احتمالاً بی‌نتیجه‌ای که مردم در برخورد‌های روزانه مطرح می‌کنند در نامه‌های خوانندگان هم بازتاب دارد؛ ممکن است لطفاً این نامه را به دست فلان هنرمند یا نویسنده برسانید؛ فلان وزیر سابق در کجا زندگی می‌کند؛ کشور سوئیس چند هواپیمای جنگی دارد؛ فلان نمایشنامه در چه سالی در نیویورک یا لندن بر صحنه آمد؛ در ایران هر سال چند تراکتور ساخته می‌شود؛ آیا کشورهای مالی و بالی همسایه‌اند و آیا گینه پاپوا همان گینه نواست؛ از کجا می‌توان کارت بازرگانی گرفت.

پاره‌ای از این نکات را می‌توان با نگاهی سریع به نقشه جغرافیا یافت و بسیاری از آنها در کتابهای مرجع و جزوه‌های آماری ثبت شده‌اند. بعضی راهم به دلایل مربوط به حریم زندگی خصوصی اشخاص نباید بدون اجازه آنها در جایی منتشر کرد. جواب برخی راهم نمی‌توان به آسانی یافت و اگر کسی دنبال اطلاعات فنی خاصی است باید بتواند بدون کمک گرفتن از این نشریه و آن مجله راه خود را پیدا کند. در بسیاری نشریات، صفحه نامه‌ها بیش از هر چیز تمرینی در نویسندگی است، چون هر خواننده‌ای با چاپ نامه‌اش در نشریه مورد علاقه خویش سهیم می‌شود.

با این همه، نامه‌های خوانندگان موضوع خودبه‌خود با ارزش و بسیار مهمی است که نه تنها مایه تقویت روحیه و تشویق تحریریه نشریه است، بلکه باید با دقت و صرف وقت بدان توجه شود و به شکلی در خور انعکاس یابد. در مطبوعات یومیه ایران، از سالها پیش روشی بدیل برای ارتباط خوانندگان باب شده که عبارت است از درج مضمون و گاه عین پیامهای تلفنی. به نظر می‌رسد چنین شیوه‌ای در روزنامه‌ها جا افتاده باشد، اما در انتقال این شیوه به ماهنامه‌ها نباید شتاب کرد. شاید بهتر باشد روش سنجیده‌تر نامه‌نویستن به مجله‌ها همچنان برقرار بماند، هر چند که شمار کوچک‌تری از خوانندگان را در بر گیرد. نشریات

نامه‌های خوانندگان نمایانگر افکار عمومی جامعه یا ملت یا حتی مردم شهر شما نیست؛ نمایانگر سلیقه یا خواست تنها بخش کوچکی از خوانندگانی است که نشریه را می‌خوانند. موضوع و محتوای هر نشریه برای اقلیتی از خوانندگان بالقوه جالب است، یعنی برای اقلیت کوچکی از باسوادها که خود آنها فقط بخشی از جامعه‌اند.

در تعمیم محتوای دو یا ده نامه به کل جامعه باید محتاط بود و قواعد آماری و نسبت‌ها و تمایل طبیعی نمونه‌ها را در نظر گرفت. آنچه تعمیم آماری را دشوارتر می‌کند پدیده چندگونه فکر کردن و اعتقادات ناهمخوان در بسیاری افراد است: به‌طور رسمی و در ساعات اداری، به‌طور خصوصی در محیط خانوادگی، و به پیروی از کلیشه‌های ادبی و جملات قصار بزرگان دین و ادبیات در نوشتار و در سند کتبی.

آنچه در یک یا چند نامه بیان می‌شود نمایانگر کدام یک از اینهاست؟ محکم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است: دربارهٔ مطلبی که چاپ کرده‌اید این تعداد نامه رسیده، و نویسندگان این تعداد نامه با شما موافقت و این تعداد مخالف. صندوق پستی شما چیزی در حد نتیجهٔ همه‌پرسی در مسائل ملی نیست.

بسیاری از خوانندگان نکته‌ای ساده مربوط به مسائل محلی و شاید از نظر دیگران کم اهمیت را بدون امضا، با امضای مستعار یا با امضای محفوظ به نشریهٔ مورد علاقه‌شان پست می‌کنند اما انتظار دارند نشریه چنین مواردی را با حروف درشت و به بارزترین شکل اعلام کند. این توقع را نباید نادیده گرفت، اما تقویت هم نباید کرد. اعتراض به مقررات گمرک در مورد اشیای همراه مسافران، یا به محتوای کتابهای درسی، در شرایط متعارف، عواقب وخیمی برای فرد معترض در پی ندارد. اعلام آن در نشریه نه نیازمند شجاعت فوق‌العاده‌ای است و نه حتماً سبب می‌شود که وضع بیدرنگ به شکل مورد نظر فرد معترض بهبود یابد. این احتمال هم وجود دارد که وضع مورد بحث، هر چند که غایت مطلوب نیست، بهترین برآیند ممکن از مقتضیات و موانع موجود باشد. برای سنجش این درجه از عیب یا کمال باید به تفصیل بحث کرد و ارائهٔ این تحلیل جزو وظایف روزنامه‌نگار است.

اساساً در عرف مطبوعات غربی، ستون نامه‌ها، به خصوص در مجله و ماهنامه، برای نقد و نظر دربارهٔ بحثهایی است که خود آن نشریه به انتخاب و صلاحدید خود پیش کشیده و

و برزق سر برسد، ای بسزای خود می‌تواند از آن است که در نشریه‌ای هم مجسم بود از سبب راهنمای تلفن بگنجد. در جامعه‌ای مانند ایران، هم به سبب نارسایی‌های اداری و اجتماعی، و هم با الهام از رسالتی که مطبوعات برای خود قائلند، نامه‌های خوانندگان گاه حاوی شکایات، انتقادات و تظلماتی است که، از نظر موضوع و زمینه، ارتباطی با روش اعلام شده نشریه ندارد. دشوار بتوان چنین خوانندگانی را قانع کرد که نشریه نه از روی هراس از سانسور درباره موضوعهایی مطلب چاپ نمی‌کند، بلکه چون به آن موضوعها علاقه ندارد، یا آنها را در اولویت نمی‌بیند یا در آن زمینه‌ها دارای اطلاعات و صلاحیت نیست.

خوانندگانی تصور می‌کنند مقداری حقایق بدیهی در جمیع جهات وجود دارد و وظیفه مطبوعات انعکاس آن حقایق عام و مطلق است. با این همه، روحیه پل ارتباطی محسوب شدن بین عامه مردم و مقامها، و انتظار توجه مقامها به ستونهای مطبوعات برای بیشتر آشنا شدن با مسائل اجتماعی، به خودی خود و صرف نظر از این توقعات گزاف، ارزش و اهمیت دارد.

ظاهراً آمادگی نامه نوشتن برای مطبوعات با افزایش سن خواننده کاهش می‌یابد و افراد مسن تر جز در زمینه‌هایی تخصصی، به ویژه در مواردی که مستقیم یا غیرمستقیم از شخص، شغل، تخصص، گروه سیاسی، حزب، اداره، دوستان و آشنایان یا خانواده آنها سخن رفته باشد، اقدام به نوشتن نامه نمی‌کنند. تجربه‌های مکرر و سوءاستفاده نشریه‌ها از نامه فرد، چاپ کردن آن با عنوانی نامناسب، گذاشتن آن در کنار مطلبی جداگانه اما آشکارا پرکنایه، کوتاه کردن نامه به طرز مخفیانه یا اضافه کردن پاسخی به دنبال آن که فرد را در موقعیتی ناخوشایند قرار می‌دهد، از عواملی است که افراد با تجربه‌تر و صاحب‌نام را از نامه نوشتن به نشریات منصرف می‌کند. اطمینان از حسن نیت گردانندگان نشریه و مصونیت خواننده در برابر چنین سوءاستفاده‌هایی معمولاً با ملاقات در دفتر نشریه حاصل می‌شود.

بسیاری روزنامه‌های جهان سرمقاله‌ها را همراه با نامه‌های خوانندگان در یک صفحه چاپ می‌کنند. چنین ترتیبی بدین معنی است که نظر خواننده با نظر روزنامه هم‌تراز است و هر دو در کنار یکدیگر خوانده می‌شوند. فلسفه وجودی سرمقاله و نیز بحث تفاوت‌های احتمالی ابتدا و انتهای هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها از حیطة این یادداشت فراتر می‌رود، اما نباید

از سرایت ورزین بهن ساید شده تا در بر سبب اسبم به چاپ می رسد و اسبم
طولانی تر را پیش از مطالب کوتاه تر صفحه بندی می کردند. امروزه درج نامه های
خوانندگان در ابتدای نشریه رایج تر می شود. در این حالت، خواننده احساس می کند نظر
او به اندازه نظر نویسندگان نشریه اهمیت دارد.

چند نکته درباره ویراستاری نامه های خوانندگان

۱. نامه های خوانندگان را سانسور نکنید و نادیده نگیرید. در ساده ترین سطح و گذشته
از مباحث مربوط به رسالت اجتماعی و روشنفکری، فردی که نشریه شما را می خرد یا
می خواند حق دارد درباره آن به عنوان کالایی فرهنگی فکری که عرضه کرده اید نظر بدهد.
شما در چشم خواننده شخصیت دانا و مهمی هستید؛ به همین نسبت برای او احترام و
ارزش قائل شوید.

۲. خواننده ای را که به نشریه شما نامه می نویسد گروگان نگیرید. اگر تشخیص
می دهید سهوی فاحش یا خطایی مضحک در متن نامه ای وجود دارد، در صورت امکان با
نویسنده آن تماس بگیرید و نظراتان را در میان بگذارید، و گرنه از چاپ آن قسمت از نامه
صرف نظر کنید. خواننده ای را که سطح اطلاعاتش آشکارا پائین تر از میانگین
خواننده هاست اسباب خنده دیگران نکنید. چنین خواننده ای در واقع می کوشد خود را
ارتقا دهد.

اگر کسی از چاپ نامه اش منصرف شد و درخواست استرداد آن را کرد به خواست او
احترام بگذارید، مگر آنکه کار چاپ به مراحل غیر قابل برگشت رسیده باشد. قربانی عدم
حسن نیت ممکن است ساکت بماند، اما همکاران شما رفتارشان را به یاد خواهند داشت و
محتوای مقالات آتشین شما در زمینه عدالت و انصاف را با توجه به عملتان ارزیابی
خواهند کرد. اعضای هیئت تحریریه مسئولیت مشترک دارند. هر اعتراضی از سوی
خواننده را به گردن آن عضو تحریریه که تصادفاً غایب است نیندازید.

۳. نامه انتقاد آمیز به نشریه شما بدین معنی است که خواننده منتقد، یا معترض، به شما
علاقه دارد یا دست کم شما و نشریه تان را جدی می گیرد، و گرنه با طول و تفصیل نامه
نمی نوشت که، مثلاً، چرا برای حل مسائل ملی و جهانی دست به اقدامی عاجل نمی زنید.
تندی یک یا چند نامه را دلیل خصومت خواننده نگیرید. واکنش خواننده بهتر از سکوت او

اصول شصت و یکم پیش می‌آید. چون خواننده به صورت پستی در پستی و استیلا در استیلا در نشریه شما ببیند آن را کنار می‌گذارد. در مواردی که نوعی خصومت در نامه‌ای احساس شود، بهتر است در پی تشخیص این نکته بر آید که آیا خصومت مفروض و اکثسی است فردی، یا بخشی از مبارزه‌ای است سازمان یافته علیه نشریه شما.

در حالت اول، احساس دلخوری بیشتر احتمال دارد به ناکامی خواننده در چاپ شدن مطلبش برگردد، یعنی حالتی که فرد گمان می‌کند نوشته او لایق چاپ شدن در نشریه شماست اما به سبب بی توجهی یا کج فهمی سردبیر چاپ نشده؛ یا از موضعی به برخی موضوع‌ها برخورد کرده‌اید که برای آن خواننده قابل قبول نبوده است.

در حالت دوم، جا دادن به نامه‌هایی که بخشی از مبارزه علیه نشریه شماست وظیفه‌ای اخلاقی نیست. به بیان دیگر، ناشر موظف نیست علیه خویش شهادت بدهد یا تبلیغ کند، همچنان که هیچ کس موظف به اقرار علیه خویش نیست. اما می‌توان به جوانب و جهات موضوع توجه بیشتر نشان داد و ریشه‌های خصومت را شکافت و تحلیل کرد.

۵. سلام و تعارف و تعریف و آرزوی خسته نبودن دست اندرکاران شریف و زحمتکش و سایر عبارات کلیشه‌ای خوانندگان را کنار بگذارید، مگر در مواردی که خواننده بر کیفیتی مشخص در نشریه شما انگشت می‌گذارد که به نظر سایر خوانندگان تعارف توخالی نخواهد رسید.

بسیاری افراد علامات تعجب و نقل قول را برای تأکید بر معنی کلمات و عبارات به کار می‌برند و در این کار افراط می‌کنند (چندین علامت تعجب و بعد یکی دو علامت سؤال، به نشانه اهمیت فوق‌العاده موضوع و تشویق به نگاه رندانه در هنگام خواندن). با توجه به ضعف مدرسه و دانشگاه در تعلیم نگارش غیر کلیشه‌ای، صفحه نامه‌ها جای مناسبی برای تذکر روش صحیح نگارش است. می‌توان با اندکی ویراستاری نامه خواننده به او یاد داد که از مقدمات طولانی و ادعاهای کسالت‌آور در باب تاریخ و فلسفه و غیره بپرهیزد و اصل مطلب مورد نظر را روی کاغذ بیاورد. تکیه کلام‌هایی از قبیل «همه می‌دانند» یا «بر همگان واضح و مبرهن است» در واقع یعنی نوشتن این نامه لزومی نداشت.

فرهنگ پست الکترونیک و ای‌میل وسیله مناسبی در جهت گرایش به ایجاز و اختصار فراهم کرده است. قالب تلگرافی این گونه مراسلات که معمولاً خالی از حشو و زوائد است رفته رفته در ترک اعتیاد به حاشیه رفتن و کنار گذاشتن سلام و احوالپرسی‌های نالازم

عبارت‌ها را از نوشته حذف کنید و تعدادی اسم خاص در تیور بهمان صورت در مواردی که خواندن اسمی، بدون جداکردن آن از کلمات قبل و بعد، دشوار باشد. گیومه فقط برای نقل عین یک عبارت (و نه فقط مضمون آن) از متنی دیگر، یا برای عنوان مقاله است (عنوان کتاب و نشریه و فیلم و قطعه موسیقی را، بنا به عرف جهانی، معمولاً با حروف ایتالیک، یا مورب، چاپ می‌کنند).

هنگام ویراستاری، می‌توان نامه‌ها را با عنوان «آقای سردبیر» یا «خانم سردبیر» یا بی‌هیچ عنوانی شروع کرد. افزودن تیترا ساده، کوتاه و مناسبی نامه را خواندنی‌تر می‌کند.

۶. حمله به اشخاص و گله و افترا و اتهام نسبت به این و آن را حذف کنید. چاپ اتهام و افترا، حتی با نقطه چین گذاشتن به جای نام اشخاص، غلط است. مجرمان و تبهکارانی در جامعه وجود دارند که، از جمله، به سبب کمبود دلایل محکمه‌پسند نمی‌توان آنها را به دادگاه کشاند (این یکی از عیبهای دموکراسی و حکومت قانون است). بنابراین در برابر خواننده نقش کلانتر محل را بازی نکنید.

اصولاً نقطه چین گذاشتن در متن عملی است خطا و نویسنده عقلاً مجاز نیست در میان جملات خویش چند نقطه بگذارد، مگر در موردی که در نقل جملاتی از یک متن میان آنها فاصله افتاده باشد (در این حالت نیز باید صادقانه اطمینان یافت که متن منقول و متعلق به دیگران تحریف نشده است). در زبان انگلیسی بسیار نادر پیش بیاید که نویسنده‌ای روا ببیند به جای ادامه بحثی بدیهی که به نظر او در مداری بسته گیر افتاده است چند نقطه بگذارد، یعنی خودتان می‌توانید بقیه را حدس بزنید.

آوردن «و...» در فرهنگ ایرانی تبدیل به کنایه‌ای شده است که یعنی نویسنده چه بسیار اسرار در دل دارد، اما دریغ که قلم و زبانش را بسته‌اند. این تمهید رندانه مانع رشد خلاقیت در نویسندگی است. ویراستاری یعنی ارائه شکلی بهبودیافته از متن. بنابراین، تذکر ضمنی به خواننده که در این جا جمله‌ای بود بسیار هوشمندانه که شجاعانه نوشته شد اما نمی‌گذارند آن را برای شما چاپ کنیم، ادعایی است بیهوده و بی‌مورد. خواننده قرار نیست برای مطلبی که نمی‌داند چیست نویسنده را تحسین کند.

گذاشتن چند نقطه در پرانتز، یا در گروه [. . .]، خطای مضاعف است زیرا گروه زمانی به کار می‌رود که در نوشته نقل شده از دیگری کلمه یا عبارتی از بابت توضیح می‌افزاییم (مثلاً در جمله «من با مؤلف [این مقاله] موافقم»، دو کلمه این مقاله افزوده

نقطه در گروه را روزنامه‌های ایران در سالهای اخیر به عنوان نوعی تمهید در جدال‌های سیاسی و قلمی باب کردند، به نشانه اینکه نشریه از نظر آزادی بیان در تنگناست. در هر حال، چه بهتر که این ابداع به فراموشی سپرده شود زیرا خلاف قراردادهای آئین نگارش است.

به یاد داشته باشیم که اول، ویراستار با هر آنچه به چاپ می‌رساند ممکن است کاملاً موافق نباشد (جز در حالتی که سراسر نشریه را شخصاً بنویسد)، اما قرار نیست مطلبی را که به هر دلیل با آن مخالف است به چاپ بدهد. دوم، کوتاه کردن مطالب لزوماً در حکم سانسور نیست و گرنه کسی را رابط میان نامه‌رسان و حروفچین نمی‌کردند و هر آنچه از در می‌رسید به چاپخانه می‌رفت. سردبیر یعنی فردی که برای کوتاه کردن مطالب دیگران حقوق می‌گیرد و قادر است به نویسنده کمک کند منظور خویش را به شکل بهتری بنویسد. آنچه ویراستار نباید مرتکب شود تحریف نوشته دیگران یا افزودن چیزی برخلاف میل و نظر نویسنده است.

۷. نشریه فقط مسئول چیزهایی است که منتشر کرده و می‌تواند پاسخگوی توقعات خواننده برای چاپ مطالبی باشد که در زمینه تخصص نشریه و علاقه نویسندگان آن است. کل امور جامعه و جهان در حیطه تخصص هیچ نشریه‌ای و مورد علاقه هیچ تحریریه‌ای نیست. احساس مسئولیت اخلاقی در برابر جامعه و جهان به جای خود، اما توهم مدعی‌العموم بودن یا سازمان ملل بودن نشریه را در خواننده تقویت نکنید، چون در عمل نمی‌توانید پاسخگوی چنین انتظاراتی باشید و ناکامی شما در برآوردن چنین توقعی سبب دلسردی خواننده خواهد شد. بیشترین کاری که از یک نشریه برمی‌آید رساندن برخی آگاهی‌ها و اطلاعات به خواننده است، نه حل تمام مشکلات شخصی و اجتماعی اش.

۸. برخی هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های معتبر جهان همراه با نامه‌ای در انتقاد از مطلبی که بیشتر چاپ کرده‌اند به نویسنده آن فرصت می‌دهند از خود دفاع کند. بهتر است چنین توضیحی صرفاً تکرار آنچه نویسنده بیشتر بیان کرده است نباشد و به ارائه دلایلی جدید یا رفع سوء تفاهم بپردازد. باید توجه داشت خواننده‌ای که وارد بحثی تخصصی در نشریه سطح بالا می‌شود بسیار احتمال دارد به اندازه نویسنده مقاله در موضوع وارد باشد. تلاش برای ساکت، شرم‌نده یا از میان به در کردن فرد منتقد از دیدگاه سایر خوانندگان حمل بر این

۹. جواب به همه نامه‌ها ضروری نیست، چون نویسندگان نشریه به اندازه کافی فرصت و جاد در اختیار دارند تا حرفشان را بزنند و خوب است که این فضای محدود برای خوانندگان باقی بماند. همکاران تحریریه بهتر است از چاپ نامه‌های خودشان، حتی با اسم مستعار، در این صفحه‌ها پرهیز کنند.

۱۰. اگر بخشی را به جواب پرسشهای خوانندگان اختصاص می‌دهید، بهتر است پاسخها کوتاه باشد. از نصیحت یا سرزنش کردن خواننده پرهیزید. اگر مطلبی برای ابلاغ به جامعه دارید، این را در مقاله یا سرمقاله تان بنویسید، نه خطاب به یک نفر. حتی وقتی خواننده سوالی مطرح می‌کند که در فایده دانستن پاسخ آن تردید دارید، یا اعتراضی ناموجه را با بیانی تند روی کاغذ می‌آورد، رنجاندن و درشت صحبت کردن با خواننده منصفانه نیست چون معمولاً شما از او مجهزتر و نیرومندترید. نامهربانی با یک خواننده یعنی دهها خواننده دیگر را برای همیشه از خود رانده‌اید. با او مهربان اما صریح و صادق باشید. □

برای آشنایی بیشتر با دیدگاه نویسنده، نگاه کنید به مقدمه کتاب قدرتهای جهان مطبوعات (نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی